

گسترش دامنه جغرافیایی حملات تهران و معمای واشنگتن

تهران افزایش قیمت نفت رانه یک پیامد ناخواسته در جریان این مناقشه، بلکه یک دستاورد راهبردی تلقی می‌کند. اکوایران نوشت: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز شنبه اعلام کرد که دو نفتکش، که هر یک حامل حدود دو میلیون بشکه نفت خام بودند، پس از برخورد با مین‌های دریایی در تنگه هرمز دچار آتش سوزی شده‌اند. بر اساس این اعلام در روز شنبه، نفتکش اول با یک مین برخورد کرده که منجر به انفجار و «آتش سوزی شدید» شده است؛ نفتکش دوم نیز با مینی برخورد کرده که باعث شده این کشتی «در شعله‌های عظیم آتش» گرفتار شود. این شناورها سامانه‌های موقعیت‌یاب و راداری خود را کندک که مورد تأیید ایران نبوده است. دریادار علی آزمای، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران، هشدار داده که هر شناوری که سامانه‌های ناوبری خود را غیرفعال کند، «متخاصم» تلقی خواهد شد. تهران پیش تر اعلام کرده بود که دو نفتکش در روزهای پنجشنبه و جمعه در «منطقه ممنوعه» ایران در دریای عمان دچار آتش سوزی شده‌اند. نهادهای ناظر بر امور دریایی نیز گزارش دادند که روز جمعه دو نفتکش در آب‌های خلیج فارس، در نزدیکی عربستان سعودی، مورد اصابت قرار گرفته‌اند. به گفته شرکت امنیتی ونگار، یکشنبه گذشته شش شناور در تنگه هرمز یا نزدیکی آن مورد حمله قرار گرفتند؛ که این بیشترین تعداد حمله در یک روز از زمان آغاز جنگ محسوب می‌شود.

حمله به کشتی‌ها

به نوشته الجزیره، سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا (اواخر روز جمعه گزارش داد که در هفته منتهی به ۱۶ اکتبر، دست‌کم ۱۲ کشتی هدف حمله قرار گرفته‌اند. البته یک نکته مهم در این گزارش وجود دارد؛ این سازمان امنیت دریایی اعلام کرد که در ارائه آمار دقیق از تعداد واقعی حملات با دشواری روبروست، زیرا اکثر کشتی‌های مورد حمله قرار گرفته، از گزارش دمی به این سازمان خودداری می‌کنند. این نهادافزود که این طریق منابع دیگر از وقوع حوادث بیشتری در این آبراه مطلع شده، اما مابه دلیل کمبود اطلاعات، قادر به تأیید آنها نیست. همین روند در نیمه اول ماه اکتبر نیز مشاهده شده است. این ماه شاهد بیشترین تعداد حملات به کشتی‌ها از زمان آغاز جنگ در ۲۸ فوریه بوده است. به گفته این سازمان، از میان ۱۲ کشتی که حمله به آنها تأیید شده، نیمی به مسیر خود به سمت مقصد ادامه داده یا به بندر رسیده‌اند؛ یک کشتی غرق شده، دو کشتی از کار افتاده و سه کشتی دیگر یا دچار آسیب شدند و بر سرنوشت نهایی آنها نامشخص باقی ماند. بر اساس آمارهای شرکت کپلر، جریان نفت عبوری از تنگه هرمز در هفت روز منتهی به ۱۳ اکتبر، به ۱۰۶ میلیون بشکه در روز رسید. این رقم حدود ۶۸ درصد از سطح مینای ۱۷۰ میلیون بشکه در روز پیش از آغاز جنگ است. ریزش جبهه، در پی تداوم حملات، قیمت نفت خام برنت برای نخستین بار از ماه مه به ۱۱۰ دلار در هر بشکه رسید. حملات حوثی‌های همسو با ایران به زیرساخت‌های انرژی عربستان سعودی و تصرف تنگه باب‌المندب توسط آنها، وضعیت را وخیم‌تر کرده است.

گسترش دامنه حملات

دنيس سيتر ونوويچ، تحليل‌گر شورای آتلانتیک نوشت: ایران همچنان به گسترش دامنه جغرافیایی حملات خود به نفت‌کش‌ها ادامه می‌دهد و دو هدف مرتبط با یکدیگر را دنبال می‌کند: بالا بردن قیمت جهانی نفت و مختل کردن مسیرهای جایگزین صادرات نفت عربستان سعودی از طریق خلیج فارس. اهمیت این مسیرها در هفته‌های اخیر، به ویژه پس از آنکه عربستان سعودی در پی آسیب دیدن خط لوله «شرق-غرب» خود استفاده از آنها را به‌طور قابل توجهی افزایش داده، دوچندان شده است. تقریباً تردیدی نیست که تهران افزایش قیمت نفت را نه یک پیامد ناخواسته در جریان این مناقشه، بلکه یک دستاورد راهبردی تلقی می‌کند. از دیدگاه تهران، قیمت‌های بالاتر انرژی ابزاری قدرتمند است تا به واشنگتن و جامعه بین‌المللی نشان دهد که ادامه جنگ – بدون دستیابی به یک راه‌حل سیاسی – چه هزینه‌های اقتصادی فراینده‌ای به همراه دارد.

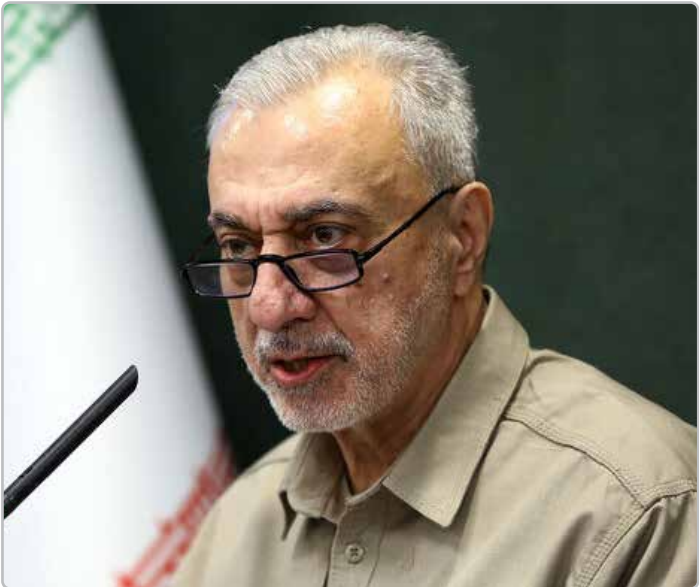
معمای واشنگتن

این وضعیت، معمایی به مراتب دشوارتر را پیش روی دولت آمریکا قرار می‌دهد. بعید است که اقدامات عملیاتی و راهبردی ایران متوقف شوند؛ بلکه برعکس، احتمال تشدید آنها وجود دارد. بنابراین، واشنگتن با دو گزینه نامطلوب روبرو خواهد بود: واکنش نظامی و پذیرش خطر دامن زدن به تنش‌هایی بسیار گسترده‌تر، یا حفظ رویکرد فعلی همراه با تن دادن به تداوم حملات علیه تجارت دریایی، قیمت‌های همواره بالایی نفت، و تردیدهای فزاینده در مورد قدرت بازدارندگی آمریکا. مشکل اساسی این است که وضعیت موجود، نه بایاثبات است و نه پایدار. حتی اگر تنگه هرمز از نظر فنی باز بماند، این بدان معنا نیست که تجارت دریایی به روال عادی خود بازگشته است. تازمانی که ایران توانایی و تمایل به تهدید کشتیرانی و زیرساخت‌های انرژی منطقه را داشته باشد، بازارهای نفت همچنان ریسک تشدید تنش‌ها را در قیمت‌گذاری‌های خود لحاظ خواهند کرد. در نهایت، تهران بر این باور است که می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و سیاسی سنگین‌تری را به واشنگتن تحمیل کند؛ هزینه‌هایی که دولت ترامپ آمادگی تحمل آنها را ندارد؛ و تا زمانی که راهکاری دیپلماتیک و معتبر برای یرون رفت از این وضعیت وجود نداشته باشد، روند موجود به جای حرکت به سوی ثبات، به سمت تشدید تنش‌هایش می‌رود.

«آرمان ملی» جلسه‌رای اعتماد به وزیر پیشنهادی دفاع را بررسی می‌کند

مجلس در کنار دولت ایستاد؛ اخلاقی وزیر شد

◀ وزیر دفاع: پاسخ ایران به خطای محاسباتی مجدد آمریکا غافلگیرکننده و گسترده خواهد بود



بررسی صلاحیت

پس از چند ماه از شهادت امیر سرتیپ نصیرزاده وزیر پیشین دفاع و اداره این وزارتخانه با سرپرست چندی پیش وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به مجلس معرفی شد و مهرداد اخلاقی کتابچی در دو نشست با اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس به شرح برنامه‌های خود در این حوزه پرداخت. جالب اینکه اعضای کمیسیون همه با گزینه پیشنهادی دولت موافقت کردند و در همین راستا روز گذشته نیز جلسه مجازی بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی دفاع در مجلس برگزار شد که طبق آئین نامه ابتدا وزارتخانه‌های مرتبط گزارش‌ها و نظرات خود را در باب وزیر پیشنهادی اعلام کردند. سپس، موافقان و مخالفان به صحبت پرداختند و بعدرئیس جمهور و در آخر نیز مهرداد اخلاقی به عنوان گزینه پیشنهادی دولت به بیان برنامه‌های خود پرداخت. در ابتدا حسن قشقاوی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با قرائت گزارش این کمیسیون از موافقت کمیسیون امنیت ملی با وزیر یبشتنهادهی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح خبرداد. پس از وی نیز زهرا سعیدی سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس موافقت این کمیسیون باوزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را اعلام کرد. سپس مخالفین وزیر پیشنهادی صحبت کردند. حامد یزدان نماینده مردم اصفهان اظهار داشت: «انتظار می‌رود وزیر پیشنهادی در تشریح برنامه‌هایش، حمایت صریح خود را از جبهه مقاومت و نیروهای آن در لبنان، عراق و یمین اعلام کند؛ چنین موضعی برای دنیا پیام دارد و می‌تواند ضمن ناامید کردن دشمنان، موجب تقویت روحیه و امید در جریان مقاومت شود». روح... ایزدخواه نماینده تهران دومین مخالفی بود که به نطق پرداخت و با بیان اینکه باید



نظام بسته، قدیمی و منسوخ کارفرمایی و پیمانکاری تغییر کند، گفت: «باید مردم و بخش خصوصی وارد سلاح‌سازی شوند و حتی اجازه صادرات سلاح داده شود و آنها در این صنعت بزرگ شریک شده و همراه با وزارت دفاع شوند از این منظر. لازم است الگوها، الگوریتم‌ها و پروتکل‌های قدیمی وزارت دفاع شکسته شود؛ موضوعی که در برنامه مهندس اخلاقی به‌صورت پررنگ مشاهده نکردم و امیدوارم ایشان در توضیحات خود به آن بپردازند». نقدعلی نماینده خمینی شهر نیز در مخالفت با تأکید بر ضرورت تدوین برنامه‌ای متناسب با شرایط فعلی کشور اظهار کرد: «آقای وزیر پیشنهادی باید برنامه‌ای متناسب با دوران جنگ به مجلس ارائه می‌کرد، اما آنچه در برنامه ایشان آمده، تفاوت محسوسی با برنامه‌های تدوین‌شده در دوران صلح ندارد». پس از نطق مخالفان موافقان سخن گفتند و ابتدا حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی گفت: «تناسب برنامه با مأموریت‌های وزارتخانه، واقع‌گرایی، صراحت، شفافیت، انسجام میان فصل‌ها و بخش‌های مختلف، جامعیت، آینده‌نگری و سنخ‌ش‌پذیری، مطلوب ارزیابی است». ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی هم در موافقت بیان کرد: «سوابق آقای اخلاقی فرصت مناسبی برای بخش‌های مختلف وزارت دفاع فراهم می‌کند. ایشان در جلسات متعدد پذیرفتند که معماری نوین مبتنی بر تهدیدات و فرصت‌ها در وزارتخانه دنبال کنند». همچنین جعفر قادری نماینده شیراز نیز در مقام موافق مهرداد اخلاقی را وزیر پیشنهادی دولت توصیف کرد.

توان دفاعی کشور

پس از مخالفان و موافقان رئیس جمهور که به صورت وینیرایی در جلسه حضور

«آرمان ملی» چهره جدید رسایی بعد از آزادی را بررسی می‌کند

رسایی؛ زندان به مثابه سرمایه سیاسی

روایت دوم: یزدان پناه

عضو تیم رسانه‌ای رئیس مجلس درباره پرونده رسایی و ختم به زندان شدن، روایت دیگری ارائه می‌دهد که در مقایسه با سخنان ثابتی می‌تواند نشان دهنده عمق شکاف سیاسی بین دو جریان باشد. یزدان پناه قبل از ورود به ماجرای رسایی به پرونده نوباره اشاره می‌کند. او می‌گوید: ادعای دست‌کاری و جعل در اسناد مجلس از سوی نوباره در زندان پس گرفته شد و گفته شد که منظور او جعل نبوده و صرفاً مصداه به مطلوب بوده است. یزدان پناه تصریح می‌کند که البته دادگاه نوباره را محکوم کرد، بعد از این ماجرا نشریه‌ی ۵۹ ی وارد داستان می‌شود و همان ادعا را مطرح می‌کند. یزدان پناه می‌گوید در تمام این مدت، رازینی با رسایی فایده نداشت و او حاضر به پس گرفتن ادعایش نشد. از سخنان یزدان پناه چنین برمی‌آید که اگر رسایی در نشریه خود به همین اندازه بسنده می‌کرد که چنین ادعایی درست نبوده، کار ادامه پیدا نمی‌کرد. عضو تیم رسانه‌ای القایب می‌گوید مدت زمان مدیدی گذشت اما تغییر در رویه آقای رسایی داده نشد و حتی در روزی که حکم در شرف اجرا بود، بر این ادعا ابرام داشته است.

یک خطر بالقوه

حالا با وجود این دو روایت متضاد، رسایی به زندان رفته است و شاید زودتر از ۱۰ ماه از زندان بیرون بیاید و شاید هم تمام این مدت را در زندان بماند. باتوجه به مجموعه واکنش‌هایی که در اطراف این پرونده دیده شده، بعد از بیرون آمدن رسایی از زندان، جریان سیاسی حامی او چه رفتار خواهد داشت؟ خود رسایی چگونه؟ آیا زندان می‌تواند برای رسایی به سرمایه سیاسی تبدیل شود؟ آیا این احتمال وجود دارد که هزینه‌ای که پرداخته، به عاملی برای افزایش نفوذ و قدرت اثر بدل شود؟ در عین حال باید توجه داشت که چنین اتفاقی الزاماً نتیجه حتمی و خودبه‌خودی نیست و به نحوه برخورد حامیان، بازخوانی و روایت جدید از علت و شرایط محکومیت زندان، واکنش افکار عمومی و رفتار خود او پس از آزادی بستگی دارد.

◀ رای اعتماد به اخلاقی: مجلس به وزیر پیشنهادی دفاع را بررسی می‌کند

کرد؛ در وزارت دفاع برای این موضوع تیم‌هایی تشکیل شده و فعالیت می‌کنند، اما ارائه اطلاعات بیشتر درباره جزئیات این برنامه‌ها در چنین جلسه‌ای را به صلاح امنیت کشور نمی‌دانم. اخلاقی در تشریح برنامه‌های میان مدت خود برای ارتقای توان دفاعی کشور اظهار کرد: ارتقای مستمر تسلیحات و تجهیزات پیشرفته با تأکید بر سامانه‌های هوشمند از اولویت‌های ماست. در حوزه موشک‌های زمین به زمین و کروز، باید از نظر دقت، قدرت تخریب و برد به سطحی برسیم که بازدارندگی کشور جدی تر شود و دشمن حتی در فاصله‌های دور نیز به حمله به ایران فکر نکند.

رای اعتماد به اخلاقی

بعد از اظهارات نمایندگان موافق و مخالف، رئیس جمهور و وزیر پیشنهادی دفاع، فرآیند رای‌گیری از نمایندگان جهت اعتماد یا عدم اعتماد به وزیر پیشنهادی شروع شد که نهایتاً بهارستان نشینان با ۲۲۷ رای موافق، ۱۵ رای مخالف و بدون رای مستنع از مجموع ۲۷۷ رای با تصدی مهرداد اخلاقی در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح موافقت کردند. جالب اینکه پیش از وی شهید نصیرزاده وزیر دفاع قبلی با ۲۸۱ رای بالاترین رای اعتماد تاریخ دولت‌آی پس از انقلاب را از مجلس گرفته بود.

خواشی جلسه‌رای اعتماد

نخست بررسی صلاحیت وزیر پیندهای دفاع جدای از اظهارات حاضرین با خواشی جالبی نیز همراه بود. جایی که در جلسه رای‌گیری که به‌صورت الکترونیکی برگزار شد، از مجموع ۲۸۵ نماینده مجلس، ۸۰ نماینده در جلسه غایب بودند. از ۲۷۷ نماینده حاضر در جلسه، ۲۲۷ نماینده رای «موافق» دادند و ۱۵ نماینده رأی «مخالف» را انتخاب کردند.

هم چنین هیچ نماینده‌ای رای «ممتنع» نداد و این بدان معناست که ۲۵ نماینده از میان حاضران، در رأی‌گیری شرکت نکردند. نکته اینجا است که یکی از وظایف اصلی نمایندگان جدای از قانون‌گذاری و نظارت حضور در جلسات و شرکت در رای‌گیری‌ها به ویژه رای اعتماد به اعضای کابینه دولت است. اینکه ۸ نفر غایب باشند و ۲۵ نفر از حاضران نخواهند در رای‌گیری شرکت کنند، این پرسش‌ها را به‌وجود می‌آورد که اساساً نماینده برای چه در پارلمان حاضر می‌شود یا در جلسه شرکت کرده است؟ آیا این این کرسی حق نیست که از جانب مردم بر دوش نمایندگان برای نمایندگی خود گذاشته شده است؟ پس چرا باید برخی نمایندگان اسلام غافلگیرکننده و گسترده خواهد بود تبعات منطقه‌ای و جهانی آن بر عهده دولت تروریستی آمریکا و هم‌پیمانانش خواهد بود. حمید رسایی نماینده محبوس تهران از زندان شد که در نوع خود جالب توجه بود.



اگر حامیان رسایی بتوانند ماجرای زندان را نه به عنوان پیامد یک روئنده قضایی، بلکه به عنوان نشانه‌ای از ایستادگی او در برابر مخالفانش روایت کنند، چنان که در سخنان ثابتی شنیده می‌شود که یکی از دلایل چنین رسیدگی سنگینی به ایستادگی او در برابر تطمیع و تهدید برمی‌گردد، امکان شکل‌گیری چنین سرمایه‌ای وجود خواهد داشت. در این صورت، برای جریان تندرو زندان نه یک محدودیت فیزیکی، بلکه به نماد سیاسی ایستادگی تبدیل می‌شود؛ نمادی که می‌تواند به ابزار تازه‌ای برای بسیج هواداران این جریان تبدیل شود. این را می‌دانیم که رسایی پس از اعلام حکم ۹ ماه حبس، در مجلس تأکید کرد که محکومیت او به فساد اقتصادی و اختلاس مربوط نیست، بلکه از شکایت رئیس مجلس ناشی شده است. او همچنین حکم را سیاسی و غیرحقوقی خواند، هرچند اعلام کرد که برای اجرای آن حاضر خواهد شد. ادامه این صورت‌بندی بعد از آزادی از زندان به او امکان می‌دهد که در میان هوادارانش، شهرت و تشدید اختلافات درون جناحی باشد تا افزایش واقعی قدرت. نهایت اینکه برای ارزیابی این موضوع پس از آزادی او، باید به سه نشانه توجه کرد، میزان استقبال از او، دامنه حمایت چهره‌های سیاسی خارج از حلقه نزدیکانش و اینکه آیا موضوع زندان همچنان در دستور کار رسانه‌های همسو باقی می‌ماند یا به تدریج فراموش می‌شود.

گزارش

روایت محمد عطریانفر از مواجهه ایران و آمریکا

مردم ایران نباید

تسلیم هراس و نگرانی شوند

یک عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت در ارزیابی شرایط فعلی و احتمال جنگ تمام عیار اظهار داشت: اگر بخواهم در پاسخی کوتاه و گذرا ارزیابی خود را بیان کنم، باید بگویم که احتمال وقوع جنگی تمام عیار را چندان بالا نمی‌دانم. نخست باید توجه داشت که بخش عمده نگرانی‌ها و دلهره‌های امروز جامعه ایران، از نامشخص بودن چشم‌انداز پیش رو ناشی می‌شود. مناسبات میان ایران، آمریکا و متحدان دو طرف، هنوز در چارچوبی روشن و قابل پیش‌بینی قرار نگرفته است. همین ابهام در افاق تحولات آینده است که بر نگرانی عمومی دامن می‌زند و جامعه را در وضعیتی از انتظار و بلاتکلیفی نگه می‌دارد. خبر آنلاین نوشت، محمد عطریانفر گفت: با این حال، اگر تجربه یک سال گذشته، به‌ویژه تحولات پس از جنگ دوازده‌روزه، را مبنای ارزیابی قرار دهیم، با مجموعه‌ای از مواضع متناقض، گفتارهای متغیر و تهدیدهای مکرر از سوی طرف‌های مقابل مواجه می‌شویم؛ تهدیدهایی که به‌خصوص از سوی شخص رئیس‌جمهور آمریکا باها مطرح شده، اما لزوماً به اقدام عملی منتهی نشده است. وی افزود: به باور من، مجموعه عواملی همچون مقاومت مردم ایران، پایداری جامعه در همراهی با حاکمیت و توانمندی نیروهای مسلح کشور، در محاسبات طرف مقابل تأثیرگذار بوده است. نیروهای مسلح ایران در یکی از بزنگاه‌های حساس تاریخی توانستند تصویری متفاوت از موازنه قدرت ارائه دهند و هیمنه نظامی آمریکا را با چالش مواجه کنند. از این رو، دست‌کم در شرایط کنونی، نشانه‌های کافی برای آنکه وقوع جنگی تمام عیار را قریب‌الوقوع بدانیم، وجود ندارد. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب بیان کرد: البته این ارزیابی به معنای حل‌وفصل بلندمدت اختلافات ایران و آمریکا نیست. به نظر می‌رسد در نهایت، ممکن است دو طرف به نقطه‌ای از کاهش تنش، ترک مخاصمه یا برقراری آتش بس برسند؛ هرچند در چنین شرایطی نیز نمی‌توان احتمال وقوع حلات محدود و مقطعی را به‌کلی منتفی دانست. عضو شرای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی اظهار کرد: بر این اساس، سه نکته را باید در نظر داشت: نخست آنکه مردم ایران نباید تسلیم هراس و نگرانی شوند؛ دوم آنکه نیروهای مسلح باید هوشیاری و آمادگی خود را در بالاترین سطح حفظ کنند؛ و سوم آنکه جامعه نیز باید آگاه، هوشیار و حاضر در صحنه باقی بماند. در عین حال، باید روشن داشت که مسائل موجود در شرایط کنونی به‌سادگی و از طریق توافقی پایدار حل‌وفصل شود. ما باید پدیده‌ای به نام دونالد ترامپ مواجهیم که حتی به تعهدات و امضاهای خود نیز پایبندی قابل‌انگیزی نشان نداده است. بنابراین، نمی‌توان با خوش‌بینی ساده‌اندیشانه به تحولات پیش رو تکیست. وی ادامه داد: به اعتقاد من، بخش مهمی از این تهدیدها را باید در چارچوب رفتارهای متناقض، پیش‌بینی‌ناپذیر و نامتعارف آقای ترامپ تحلیل کرد. وقتی رئیس‌جمهور آمریکا از استفاده از «مار بمب‌ها» سخن می‌گوید، باید روشن کند که دقیقاً از چه سلاحی صحبت می‌کند. اگر منظور او بمب اتمی نیست، پس مقصودش چیست؟ چنین اظهاراتی بیش از آنکه تصویری روشن از یک تصمیم نظامی مشخص ارائه دهد، بر آشفتگی و بی‌ثباتی در گفتار سیاسی او دلالت دارد. عطریانفر بیان کرد: به نظر من، نباید اجازه داد هر اظهارنظر تهدیدآمیز و غیرقابل پیش‌بینی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا، افکار عمومی و نخبگان کشور را درگیر موجی تازه از اضطراب و واکنش‌های هیجانی کند. عقلانیت سیاسی اقتضا می‌کند که چنین موضعی را با دقت و واقع‌بینی ارزیابی کنیم، نه آنکه به هر تهدیدی واکنشی تشاب‌زده نشان دهیم یا آن را نشانه‌ای قطعی از وقوع جنگ بدانیم. با این همه، نباید تصور کرد که خطر به‌کلی برطرف شده است یا می‌توان با آسودگی خاطر از کنار تحولات گذشت. نه تهدیدهای ترامپ باید به هراس فراگیر از جامعه بینجامد و نه ارزیابی ما از احتمال وقوع جنگ باید زمینه‌ساز سستی و غفلت در آمادگی دفاعی کشور شود. وی عنوان کرد: بنابراین، میان دو ضرورت باید توازن برقرار کرد؛ از یکسو، حفظ آرامش جامعه و پرهیز از بزرگ‌نمایی تهدیدها و از سوی دیگر، استمرار هوشیاری و آمادگی نیروهای مسلح. باورود سیاسی و اجتماعی من این است که صرف طرح چنین تهدیدهایی، به‌تنهایی برای نتیجه‌گیری درباره وقوع جنگی تمام عیار کفایت نمی‌کند؛ هرچند آمادگی برای مواجهه با سناریوهای مختلف همچنان ضروری است.

دیپلماسی تعطیل‌شدنی نیست

عطریانفر در خصوص راه حل خروج از این شرایط و احتمال شکست دیپلماسی خورده است، موافق نیستم. دیپلماسی فرایندی مستمر و همیشگی در مناسبات میان کشورهاست؛ فرایندی که نه تنها در دوران صلح، بلکه در شرایط تنش، بحران و حتی جنگ نیز ادامه پیدا می‌کند. البته این مسیر همواره هموار نیست و فرازونشیب‌های فراوانی دارد، اما دشواری‌ها و ناگامی‌های مقطعی را نباید با پایان یافتن دیپلماسی یکسان دانست. از این منظر، باید تأکید کرد که دیپلماسی هیچ‌گاه تعطیل‌شدنی نیست. حتی هنگامی که مسیرهای رسمی گفت‌وگو با بن بست مواجه می‌شوند، ضرورت یافتن راه‌هایی برای مدیریت بحران، کاهش تنش و جلوگیری از گسترش درگیری همچنان با پایان یافتن دیپلماسی پیچیده‌تر و خطرناک‌تر شود. اهمیت دیپلماسی نیز دوچندان خواهد شد. وی اذعان کرد: تا زمانی که اقدام تازه‌ای از سوی طرف مقابل صورت نگرفته باشد، دلیلی برای آغاز یک درگیری جدید نمی‌بینم در خصوص احتمال حمله پیش‌دستانه ایران نیز باید شرایط موجود را به دقت در نظر گرفت. به باور من، در وضعیتی که رویارویی‌ها تا حدودی فروکش کرده و شرایط به نوعی آرامش نسبی رسیده است، ضرورتی برای آغاز حمله از سوی ایران وجود ندارد. ملت ایران و حاکمیت کشور، خواهان جنگ نبوده‌اند و جنگ به آنان تحمیل شده است. بنابراین، تا زمانی که اقدام تازه‌ای از سوی طرف مقابل صورت نگرفته باشد، دلیلی برای آغاز یک درگیری جدید نمی‌بینم.